

## در این مقاله می آموزیم:

✓ انواع روش های تحلیلی در بازار بورس کدامند؟

✓ معرفی تحلیلی بنیادی



## معرفی شیوه تحلیل بنیادی در سرمایه‌گذاری

یک سرمایه‌گذار موفق باید قدرت تحلیل بالایی داشته باشد. فردی که بدون تحلیل اقدام به خرید و فروش سهام می‌کند مانند فردیست که در اتاق تاریک به سوی هدف نامعلوم تیر اندازی می‌کند. در چنین شرایطی احتمال این که تیر به هدف برخورد کند بسیار کم است.

اما از تحلیل که بگذریم این موضوع مهم مطرح می‌شود که چه شیوه‌هایی برای تحلیل سهام بورس وجود دارد؟ در یک طبقه بندی کلی دو شیوه اصلی برای تحلیل در بورس مطرح است:

### ۱- تحلیل بنیادی

### ۲- تحلیل تکنیکال یا فنی

تحلیل بنیادی همان طور که از اسمش مشخص است سرمایه‌گذار عوامل اصلی و موثر بر قیمت سهام شرکت مورد بررسی قرار می‌دهد و بر این اساس تصمیم‌گیری می‌کند که آیا سهام شرکت مذکور برای سرمایه‌گذاری مناسب است یا خیر؟ به طور کلی سه دسته از عوامل بر قیمت سهام شرکت موثر است:

۱- عوامل محیطی مثل وضعیت اقتصادی و سیاسی، سیاست‌های کلان کشور، بودجه سالیانه و قوانین و مقررات

۲- عوامل مرتبط با صنعت مثل نحوه قیمت‌گذاری محصولات، میزان عرضه و تقاضا برای محصول، رقابتی یا انحصاری بدون صنعت و حجم سرمایه‌گذاری در صنعت

۳- عوامل درونی شرکت مثل میزان سودآوری شرکت و تداوم آن، وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت، نسبت قیمت به درآمد سهم ( $P$  به  $E$ ) و طرح‌های توسعه‌ای شرکت و ترکیب سهامداران شرکت

در تحلیل بنیادی سرمایه‌گذار بعد از تحلیل عوامل سه‌گانه اثرگذار بر قیمت سهام شرکت ارزش واقعی، اصطلاحاً ارزش ذاتی آن شرکت را تعیین می‌کند. سپس با مقایسه ارزش ذاتی آن شرکت با قیمت فعلی آن در خصوص خرید و فروش یا نگهداری آن سهم تصمیم‌گیری می‌کند. طبیعتاً اگر از دید سرمایه‌گذار ارزش واقعی سهم از قیمت فعلی آن سهم در بازار بیشتر باشد آن سهم امکان رشد بیشتری دارد و آن سهم گزینه مناسبی برای خرید به حساب می‌آید.

اگر از دید سرمایه‌گذار ارزش واقعی سهم از قیمت فعلی سهم در بورس کمتر باشد، بنابراین آن سهم اصطلاحاً گران است و نه تنها برای خرید مناسب نیست؛ بلکه اگر سرمایه‌گذار چنین سهمی را در اختیار داشته باشد بهتر است آن را بفروشد.



به عنوان مثال فرض کنید سهام شرکت الف در بورس در حال حاضر با قیمت ۲۵۰ تومان خرید و فروش می‌شود. سرمایه‌گذار با استفاده از تحلیل بنیادی ارزش واقعی سهم الف را محاسبه می‌کند و به این نتیجه می‌رسد هر سهم این شرکت حداقل ۳۰۰ تومان ارزش دارد طبیعتاً در این حالت

سرمایه‌گذار نسبت به خرید سهام شرکت الف اقدام می‌کند؛ چون از دید آن فرد قیمت فعلی این سهم در بورس در مقایسه با ارزش واقعی آن حداقل ۵۰ تومان ارزان‌تر است.

حال اگر در همین مثال سرمایه‌گذار بعد از تحلیل قیمت سهام الف به این نتیجه برسد که سهام این شرکت بیشتر از ۲۰۰ تومان ارزش ندارد نه تنها از خرید سهام شرکت الف خودداری می‌کند بلکه اگر این سهم در سبد سرمایه‌گذاری خودش داشته باشد نسبت به فروش این سهم اقدام می‌کند. اگر تحلیل‌های بنیادی بیانگر این باشند که ارزش واقعی هر سهم شرکت الف ۲۵۰ تومان است و تفاوتی بین ارزش واقعی و قیمت سهم در بورس وجود ندارد در خرید یا فروش این سهم هیچ‌گونه سودی برای سرمایه‌گذار ندارد، چون سهم به قیمت واقعی در بورس معامله می‌شود.



اما وقتی می‌توانیم ارزش واقعی یک سهم را با روش تحلیل بنیادی محاسبه کنیم پس چطور سهام برخی شرکت‌ها با قیمت بیشتر یا کمتر از ارزش واقعی در بورس معامله می‌شوند و زمینه کسب سود یا احیاناً ضرر برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند؟

پاسخ این است که **اولا** عوامل اثرگذار بر قیمت سهام شرکت‌ها همواره دستخوش تغییر است. بنابراین ارزش واقعی سهام شرکت هم به صورت مستمر در حال تغییر است. در این میان سرمایه‌گذارانی موفق هستند که زودتر از دیگران تبعات ناشی از تغییر عوامل موثر بر قیمت سهام را تحلیل و ارزش واقعی سهم را ارزیابی می‌کنند..

**ثانیا** تحلیل بنیادی و محاسبه‌ی ارزش واقعی سهم بر اساس آن امری نسبی است و تا حد زیادی به نوع تحلیل سرمایه‌گذاران وابسته است. فرض کنید شرکت الف اعلام می‌کند میزان فروش این شرکت در سال جاری ۳۰ درصد افزایش خواهد داشت. در این حالت برخی از سرمایه‌گذاران ممکن است تصور کنند که افزایش فروش شرکت منجر به افزایش سودآوری و در نتیجه رشد قیمت سهام شرکت می‌شود. در حالی که به اعتقاد گروه دیگری از سرمایه‌گذاران افزایش ۳۰ درصدی فروش شرکت منجر به افزایش ۵۰ درصدی هزینه‌های شرکت می‌شود و نه تنها موجب سودآوری شرکت نمی‌شود بلکه میزان سود شرکت را کاهش می‌دهد.

همراه ما در قسمت‌های بعد باشید :

**آمنه هاشمی**

**نگارنده: محسن تقی نژاد**

